

دارد تربیت نماید .

اینک موضوع مهم دیگر که علاقه مخصوص بسعادت و ترقی و رابطه ثابت و محکمی با تولید ثروت دارد صنایع و حرفه‌هایی است که در یک مملکتی باید وجود داشته باشد این رشته نیز مانند رشته فلاحت تعلیم و تربیت مخصوص لازم دارد و مانند سایر منابع تولید ثروت باید طرف توجه اولیای امور واقع گردد که اسباب و وسایل تعلیم و تدریس آن در مملکت مهیا گردد تا اینکه ایرانی بتواند با سایر ملل که در این فنون قرن‌ها است جلو افتاده‌اند برابری کند .

یک قدری در اطراف و جوانب مملکت گردش کنید یا در بازارهای شهرها بروید بدکانها و محل‌های داد و ستد تماشا کنید خواهید دید از پنجاه دکان که بنظر شما میرسد در یکی از آنها متاع محصول ایران را پیدا نخواهید کرد هر چه بچشم شما میخورد تماماً از محصول صنایع خارجی است ایرانی در تهیه و تولید آنها هیچ شرکت نداشته و کارگران ایرانی در ساختن آنها هیچ دخالتی ننموده‌اند هر چه هست و موجود است از مصنوعات خارجی است و خود ایرانی در تمام نقاط مملکت دست روی دست گذاشته بیکار در گوشه نشسته آفتاب میخورد ولی مایحتاج خود را از خارجه وارد کرده به مصرف میرساند و بفقیر و پریشانی تن در داده از دایره سعی و عمل دور مانده است .

در اینجا میخواهم یک موضوع خیلی سهل و ساده را بیان



ملت نیز مانند يك خانواده است خرج آن که در مقابل عایدی  
قلیل واقع شود انرا بفقر و پریشانی و بالاخره بطرف اضحلال  
و فنا خواهد کشانید ناچارست که درصدد ازدیاد دخل بر آید  
و بین خرج و دخل خود تعادل دهد غیر از این چاره دیگر  
متصور نیست اگر باشد تا حال که در دسترس ملل گذاشته نشده.  
اگر ملتی بخواهد ترقی کند باید بیش از مصرف خود تهیه  
و تولید ثروت نماید و ان را طوری عمل بیاورد که بتواند برای مازاد  
مصرف خود بازار و خریدار پیدا کند تا بتواند بشروت ملی خود  
ببفزاید و خود را دولتمند - قوی - قادر و توانا نماید.

حال صحبت در مازاد مصرف نیست اگر ایرانی بتواند  
مابحتاج خود را از این راه تأمین کند زهی سعادت و سر بلندی است  
و اگر بتواند اقلاً آنچه که مصرف میکند خود تهیه کند آ نروز  
روز با افتخار ایرانی خواهد بود.

شما ممکن نیست بتوانید يك اروپائی را پیدا کنید که  
عاشق خریداری امتعه و محصول وطن خود نباشد این مسئله يك اسباب  
بدبختی بزرگ است که ایرانی نتواند مصرف و مابحتاج خود را تهیه  
کند یا برای خریدن و استعمال امتعه وطنی خود علاقه نشان ندهد.

صنایع یدی داخلی در اثر رقابت های خارجی در این  
سنوات اخیر بیشتر دچار انحطاط گردید مخصوصاً درین پنجاه ساله  
اخیر بکلی از میان رفت گویا در خاطر ها باشد در کاشان و یزد  
و کرمان، گیلان مازندران خراسان و سایر نقاط ایران چقدر کار  
خانه های پارچه بافی ابریشم بافی و مخمل بافی و صنعت قلمکار و

سایر جنس های ذرعی موجود بود چه شدند ؟ بافنده های آنها امروزه کی ها هستند خریدار آنها کجاست که دروخته تمام جفت شد و از بین رفت ؟ -

صد ها هزار مردم کارگر و سرمایه دار از این ممر ها تحصیل معاش مینمودند و کرور ها اعضاء خانواده ها از پرتو این مؤسسات زندگانی میکردند حال بجای تمام آنها امتعه خارجی استعمال میشود و قیمت آن از سرمایه ملی یا از آن يك هزار تومان سرمایه عائله فرضی ماداده میشود و جبران آن از هیچ راهی ممکن نیست روزی خواهد رسید که این ملت با فقر و پریشانی خیلی سخت ترازین که حالیه دست بگیر بیان است مصادف شود.

علاج تمام این درد ها - ( اگر میخواهید مؤثر مفید و قطعی باشد ) - تأسیس مدارس صنعتی است بجای این همه جار و جنجال چند مدرسه فلاحتی و صنعتی دایر کنید بگذارید جوانهایی که دوره ابتدائی را تمام نموده اند داخل این مدارس شده صنعت های یدی و حرفه های عملی را یاد بگیرند

تا شما این نوع مدارس انهم با نیت صاف و پاک و از روی ایمان کامل تأسیس نکنید محال است بتوانید چاره فقر و فلاکت يك ملتی را بکنید

این یکنه راهی است که تمام ملل متریقی روی زمین این راه را رفته بمقصود رسیده اند اگر از ابتدای ظهور مشروطیت زعماء قوم این راه را پیموده بودند امروز هزار ها جوان قابل و کامل و وطن پرست مفید بحال جامعه تحصیل کرده و با علم

داشتیم که هزاران درد های علاج نشدنی شما را چاره مینمودند.  
باور کنید امروز هر ذرع پارچه خارجی را که شما  
از دلالهای مسلمان گبر بیهود و نصاری از بازار خریداری  
میکنید يك تکان محسوسی بارکان وطن و ملیت خود داده اید  
که نتیجه تدریجی آن انهدام اساس استقلال سیاسی و مالی شما  
خواهد شد تا زود است بخود آئید اولاد و جوانان خود را در  
مدارس علمی صنعتی و زراعتی تربیت کنید وسایل و اسباب  
تحصیل آنها را فراهم بیاورید و مانند يك پدر دلسوز و مهربان  
مراقب و مواظب باشید که تعلیم و تربیت صحیح و به معنای  
اتم آن فرا گیرند ( اینکار نیز کار اولیای امور است که وسایل  
و اسباب آنها فراهم آورده خواهی نخواهی اولاد ایرانی را  
مجبور به فرا گرفتن معلومات فوق نمایند ) .

اگرچه مکرر باین نکته اشاره نموده ام باز لازم میدانم  
در اینجا تکرار کنم که تربیت اولاد بسته باستعداد پدر خانواده  
است اگر پدر تحصیل کرده و دارای معلومات است منافع  
علم و صنعت و مزار جهل و نادانی را میداند یقین اولاد خود  
را طوری تربیت خواهد نمود و تعلیم خواهد داد که در دنیا  
عاجز ذلیل بی دست و پا نیاید و او را با معلومات علمی و  
صنعتی و بدی چنان مسلح خواهد نمود که در هر درجه از  
درجات اجتماعی واقع شود بتواند امور زندگانی خود را خود  
اداره نماید و بار دوش کسان یا جامعه یا وطن خود نشود و  
قادر باشد علاوه بر اینکه کلیم خود را از آب بیرون کشد دست

مساعدت بسوی دیگران نیز دراز کند و برای وطن و ملت خود مفید باشد جامعه از وجود او استفاده کنند - يك پدر با معلومات تربیت اولاد خود را اینطور میخواهد و اینقسم انجام میدهد حال يك دولت نیز چنین است باید جای آن پدر عالم و بصیر باوضاع زمان را بگیرد و بهمانطور منتها دامنۀ آن وسیعتر و عریض تر اولاد و فرزندان وطن خود را تعلیم و تربیت کند و آنها را مردان دانشمند صاحب معلومات دارای صنایع متنوعه بار آورد اگر میخواهد ملت و مملکت خود را ترقی دهد راه ترقی همین است دولت ما باید مانند يك پدر با معلومات يك خانواده اولاد خود را با بهترین معلوماتی مسلح کند و آنها را بکسب علم و صنعت باز دارد مجبورشان کند که مایحتاج خود را خود تهیه نمایند و اگر تمام آن مایحتاج را خود نتوانند آماده کنند علم و اطلاع فہم و قوه سعی و عمل خودشان را در راهی صرف نمایند که نتیجه بهتری بدست آورند - اگر نمیتوانند پارچہ خوب بیافند یا اسباب و وسایل تهیه آن بطوریکه برای سایرین موجود است برای آنها فراهم نیست اسباب و وسایل ما بحتاج دیگر را فراهم آورند که استعداد تهیه آن در آنها یا اسباب آن بهتر آماده است

فرض کنید اگر ما امروز نمی توانیم قند و شکر بعمل آوریم و اسباب و ادوات و کارخانه آن فراهم نیست خود نیز قبل از اینکه درعمل آوردن قند فکر کرده باشیم يك مصرف عمدۀ آنرا در این مملکت ایجاد نموده ایم ناچاریم برای جبران

و حفظ آن سرمایه بگهزار تومان فرضی عائله اوقات خود را  
مصرف تهیه و فراهم آوردن متاعی نموده باشیم که آنرا داده  
در عوض قند و شکر برای خانواده خود تهیه نمائیم البته اگر  
جز این باشد آن سرمایه اصلی فقط برای مصرف قند و شکر از  
بین خواهد رفت پس ناچاریم تهیه متاع دیگر نمائیم و اگر  
هیچ چیزی در دسترس خود نداشته باشیم اقلا صنعت اجدادی  
و ارثی خود یعنی قالی بافی آن صنعتگران بهای موروثی ایرانی  
را که با تمام نیرنگهای خارجی و داخلی نتوانسته اند آنرا از  
چنگال ما بیرون آورند یا مانند آن را در خسارج تهیه نمایند  
از دست نداده ایم .

ما باسانی میتوانیم این صنعت گرانبهای پدران را که  
در عرض قرون متمادی میان عائله های ایرانی متداول بوده  
هنوز هم که هست در میان هر کلبه محقری دستکاه آن برپاست  
بطور عملی ترقی دهیم با رنگ آمیزی مخصوص امروزی که پسند  
بازارهای اروپا و امریکاست با رنگهای ثابت ایرانی که هرگز  
زوال پذیر نیست تهیه نمائیم و بدهیم در عوض قند و شکر که  
محصول وطن امروز ندارد بگیریم .

این از عقل دور است که ملت را بخوردن چای و  
قند و کاکائو و امثال آن عادت داد ولی فکر نکرد که پول آن  
را از کجا باید آورد و داد شما دارای هر اندازه ثروت و سرمایه  
باشید در صورتیکه چیزی در بساط باقی نمانده است باز هم قادر

خواهید بود قند و بچای و انواع و اقسام اینها را از خارج بخرید؟ با کدام پول؟

خوب دیگران این فکر را نکردند شما هم که نکنید چه فرقی با پیشینیان بی اطلاع و بی فکر و دانش خود خواهید داشت . . ؟

وقتی که پدر يك عائله دید اولاد او مخارج دیگری پیدا نمود و یا احتیاجات دیگری داشت ناچار است یا يك منبع عایدی جدیدی پیدا کند که آن احتیاج را جبران نماید یا اینکه از سرمایه اصلی و اندوخته خود جبران کنند و این طریق طریق فنا و اضمحلال آن خانواده است .

حکومت يك ملتی نیز همین مسؤولیت را داراست و قتیکه يك ملتی رو برشد و نمو میرود یا تمدن سایرین از گوشه و کنار آن بشکل تجملات خود نمائی میکند لابد و ناچار احتیاجات سابق آن ملت افزوده خواهد شد پناه بر خدا وقتی که آن ملت در حال نیم وحشی و غیر متمدن باشد و بنمایش های ظاهری متاع بیگانگان بدون شك مفتون شده خود را بزر و زیور قشنگ بد اصل خوش ظاهر و بد باطن آن متاع آراسته خواهد نمود (۱)

چه فرقی مابین ما و وحشی های افریقای وسطی است؟

دانه های زرنگار که هزار دانه آن بیش از ده شاهی ارزش ندارد

(۱) من در جای دیگر درین موضوع بیشتر بحث خواهم نمود مخصوصاً در باب استعمال تجملات خارجی که زنان ایران بیش از بار آوردگان و آماده کنندگان این متاع بترویج آن میکوشند در حقیقت آرایش و زینت آنها با تجملات خارجی دلیل بر بی اطلاعی آنها است نه بر سلیقه و رجحان



در عوض عاج و پوست پلنگ قبول مینمایند ما نیز درست همان اخلاق و عادات را دارا هستیم - طلا و نقره که گران بهاترین فلزات روی زمین است و نمیدانیم چگونه تحصیل شده و با چه زحمتی بدست آمده است می‌دهیم و در عوض روبان یا بافته های پنبه توری که بیش از چند ساعت رونق و دوام ندارد خریداری میکنیم درست دقت کنید هیچ فرقی بین شما و وحشی های ادوار سلف موجود است ؟

این نیز يك بدبختی روی بدبختیهای دیگر ایرانی است که قبل از دارا شدن علم و اطلاع و بصیرت باحوال و اوضاع تمدن مادی اروپا که وارد ایران گردیده و قسمت اعظم آن مخرب اخلاق و صفات پسندیده بشر است ملت جاهل از همه جا بی خبر همان تمدن مادی را استقبال نموده عوض فرا گرفتن علم اروپائی گول ظاهر آنها خورده همان شکل ظاهر آنها قبول نمودند و مقلد صرف آن شدند بدون اینکه در فکر و طرز زندگی ایرانی فرق محسوسی پیدا شده باشد

رفع این عیب نیز فقط از راه مدرسه خواهد بود و پس در هر حال دولت باید تمیز بدهد و خوب مطالعه کند و دقت کند و ببیند ملت او چه احتیاجاتی را داراست و تهیه آن بچه وسیله ممکن است آیا میشود آنها را در داخله مملکت ارزان و مناسب فراهم نمود اگر میشود چه بهتر باید بدون فوت وقت اسباب و وسائل آنها خود فراهم بیاورد زیرا غیر از او کسی دلسوز نیست علاقه ندارد بر عهده دولت است اگر

دولت نکند کسی دیگر نیست آنرا انجام دهد ما هنوز خیلی راه داریم تا بمقصود برسیم و از خود دارای عزم و اراده باشیم و بتوانیم خود بخود راه ترقی و تجدد را بیمائیم .

تجار و سرمایه‌داران ما هنوز هم که هست مانند دلاکهای بیکار حمام بر یکدیگر را می‌پراشند و اگر فرصت کنند ریش دولت را هم قبضه خواهند نمود (۱) هنوز لذت استقلال سیاسی و اقتصادی را هیچ یک از طبقات مردم نفهمیده و ندانسته اند هر وقت بدانند آروز از جان و مال در راه ترقی و سعادت ملت دریغ ندارند .

اگر چشم و گوش ایرانی باز بود اوضاع و احوال برادران اسلامی خود را میدید و میشنید ضجه و ناله‌های مسلمانان مصر و هند و سایر ممالک مسلمان نشین افریقا و آسیا بگوش او میرسید آنوقت لذت و معنی استقلال سیاسی و مالی را میفهمید و آنها را مانند جان شیرین در آغوش میگرفت و برای حفظ و نگاهداری آنها از مال و جان و فرزند و هستی خویش دریغ نمی نمود آوخ ! خواب شرقی چقدر سنگین است !

احتیاجات ملی که معلوم شد طریق تحصیل آن نیز باید معلوم شود - آیا در داخله تهیه شود بهتر است یا از خارج اگر از خارج است باید متاعی را در عوض در داخله بوجود آورد که آن مصرف یا احتیاج را که از خارجه است جبران

(۱) این يك اصطلاحی است در میان اهل بازار که خودشان بهتر بمعنی حقیقی آن آشنا هستند .

کنند غیر از این شق ثالث ندارد

این کی خواهد شد؟ وقتی که مدارس علمی و صنعتی در نقاط مهم و عمده مملکت دایر شود - دامنه آن عجالتاً چندان وسیع هم لازم نیست ممکن است بکچنین مدارس عالی یا دارالفنون هائی یکی در شیراز - یکی در کرمان - یکی در کرمانشاهان - یکی در تبریز - یکی در خراسان - یکی در مازندران - یکی در رشت - یکی در خوزستان - یکی دو باب هم در خود پایتخت که مجموعاً ده باب بیشتر نخواهند شد و هر يك اگر خوب اداره شود و بمعنای تام و تمام و حقیقتاً مدرسه باشد سالی بیش از ده هزار تومان خرج نخواهد داشت و در تمام مملکت در سال بیش از یکصد هزار تومان مخارج آنها نمیشود در این صورت در مدت پنجسال دارای هزارها جوان تحصیل کرده با علم و صنعت خواهید بود .

غافل هستید وقتی که جوانهای يك ملتی از روی اصول علمی و صنعتی تربیت شدند چه انقلاب عظیمی در مملکت پیدا خواهد شد؟

غرض من انقلاب خونین نیست من در هر جا و در هر موقع در نوشتجات و مقالات خود باین نکته اشاره نمودم که ایران فقط و فقط در سایه اصول ثابت و محکم خلیل ناپذیر تکامل ترقی خواهد نمود و بس و هر کس دست بنغمه انقلاب زند از اوضاع و احوال روحیات ایرانی بی اطلاع است .  
تاریخ ملل بی شماری را در مد نظر دارم که عده

منور الفکری کم تجربه گول يك طبقه بسیار قلیل جامعه را  
خورده متوسل باصول انقلاب خونین شده نه تنها هستی و جان  
خود بلکه زندگانی مادی و معنوی يك ملت را دچار فلاکت  
و بدبختی نموده اند و یکنوع مواعی در مقابل رشد و نمو مادی  
و معنوی ملت خویش فراهم آورده ترقی آن را سالها عقب  
انداخته اند .

این انقلاب که من مقصود دارم بمرور زمان در اثر تعلیم  
و تربیت معلمین ماهر و استادان ذوفنون در میان شاگردانیکه  
در این مدارس تحصیل میکنند پیدا شده و اینها وقتیکه از مدرسه  
خارج میشوند دارای معلومات علمی و عملی و صنایع و حرف  
یدی خواهند بود و این جوانها با يك شوق و ذوق ملی با  
استعداد جوانی و با اسلحه علمی که در مدرسه فرا گرفته اند  
محیط خاموش بی سر و صدای مستولی شده از چندین قرن  
گذشته ایران را بر هم زده روح جدیدیت و شهامت و سعی و عمل  
را که علایم جنبش عمومی و تغییرات کلی آتیه است بجای آن  
ایجاد خواهند نمود و در هر رشته از رشته های تولید ثروت  
مانند زراعت - صنعت - تجارت و هزاران منابع دیگر تولید ثروت  
يك انقلاب عظیم پر جوش و خروشی بظهور خواهد رسید که  
اسباب حیرت و تعجب خودی و بیگانه گردد .

من در رساله سوم این رشته از احوال روحیه و ساختمان  
فکری و دماغی ملت ایران مشروحاً بحث خواهم نمود و بدلائل  
تاریخی و عقلی و حسی روشن خواهم کرد که استعداد ذاتی و

فطری ایرانی تا چه پایه است و اینکه تا امروز باین حال خمودگی و تنزل و انحطاط مانده علل آن چیست اگر جامعه ایرانی باید ترقی کند راه و طریق آن کدامست تمام اینها را مفصلاً و مشروحاً و مبسوطاً بیان خواهم نمود حال می خواهم بیک نکته کوچک و مختصری اشاره کنم بعد دنباله سخن را گرفته این رشته را باخر رسانم.

مقصود من در اینجا اینست که ایرانرا نمیشود با سایر ملل آسیائی مقایسه کرد اصلاً و اساساً ایرانی غیر از نژادهای مختلف آسیائی است استعداد ذاتی و فطری آنرا هیچ يك از ملل آسیائی دارا نیستند (۱) با اینکه از تربیت مادی و معنوی آن قرنهاست غفلت شده آن استعداد ذاتی را هنوز هم داراست و مانند يك قوه پنهان و مخفی در هر آن میتوان آنرا به کار انداخت و استفاده نمود در طبیعت ایرانی نیز چنین قوه موجود است فقط محتاج به اینست که يك علاقه مند و ذلّسوزی آنرا بکار اندازد.

امروز دیده میشود در هر مدرسه خارجی که اطفال و جوانان ایرانی داخل میشوند گوی سبقت را از سایرین میربایند و از سایر اطفال ملل اروپائی در تحصیل و درك علوم پیش می گیرند در هوش و ذکاوت و فهم مسائل علمی و صنعتی بهیچ -

(۱) رجوع شود بسفر نامه مسیو ژیر که مؤلف کتاب مرآت البلدان از صفحه ۳۶۳ تا صفحه ۳۶۹ بان اشاره نموده و قسمتی را ترجمه کرده است جلد اول . بعلاوه پروفیسور ادوارد برون مرجوم در کتاب انقلاب خود شرحی مبسوط در باب صفات فطری ایرانی نگاشته است -

وجه از سایرین باز نمیمانند و اگر فردا بکنوع تعلیماتی در مدارس ایران بطور علمی برقرار شود و از حشو و زوائد دروس مانند صرف و نحو بیامورد و تعلیم شرعیات بموقع و فقه و اصول که هیچ مناسبت با دوره تحصیلات علمی و فنی و صنعتی ندارد (۱) جلو گیری شود خواهید دید جدیت و استعداد ایرانی در فرا گرفتن علوم و فنون و صنایع یدی تا چه درجه است شما فقط کمک کنید قیود و پای بندهای ادوار گذشته را از دست و پای آنها بردارید زمینه تحصیل و تربیت را برای آنها فراهم آورید اسباب و وسایل دانستن و فهمیدن را برای آنها آماده کنید و باین واسطه روح دانستن - خواستن و توانستن را در آنها ایجاد کرده اید آنوقت است که ایرانی خواهد توانست از منابع طبیعی و خدا دادی خود بر خوردار گردد و آنها را خود و بنفس خود بکار اندازد.

بشما بر نخورد عصبانی هم نشوید اگر چه تلخ است ولی چه باید کرد چون عین حقیقت است باید گفت و آن نیز این است که بواسطه عدم اطلاع و عدم بصیرت و عدم علم و دانش تمام منابع ثروت ملی شما در دست بیگانگانست حال نمیخواهم داخل در جزئیات امر شوم و بیشتر شمارا خسته و ملول کنم

(۱) اشتباه نشود من مخالف تدریس این عناوین نیستم ولی باید دید در کجا و برای چه اشخاصی باید تخصیص داده شود تدریس آنها در مدارس ابتدائی که مورد ندارد و شرح آن گذشت در مدارس فنی و صنعتی و حرفهای یدی نیز زیاد آن موضوع ندارد و نمیشود جوانان با استعداد را باین عناوین معطل کرد زیرا فرصت ندارند

وای يك منبع عایدی نیست که نفع سرشار آن عاید خارجی نشود  
پیر جای دور و دراز نمیرویم استقلال مالی يك ملتی بسته باعتبار  
آن ملت است و اعتبار عمده آن اسناد خزانه دارید است از شما  
سؤال میکنم این اسناد شما دارای این اعتبار هست ؟ اگر  
نیست میدانید چرا نیست ؟

يك سؤال دیگر از شما میکنم تا مطلب بهتر روشن  
شود . هیچ میدانید منافع رواج اسکناس در يك مملکتی چیست ؟  
میدانید دولتی نیست که رواج اسکناس و میزان جریان آن  
دست خودش نباشد ؟ تا صدور میزان و رواج آن در دست خود  
دولت نیست گرفتار چه بی اعتباریست ؟

من تصور نمیکنم در تمام ایران پنجنفر باشد که بمضار  
باطنی این امر پی برده باشد و اصحتر عرض کنم امروز  
استقلال مالی ایران در ید قدرت بانک انگلیس است و هر وقت  
بخواهد آنرا خفه خواهد نمود (۱)

بر دارید راپرت مؤسسات نطف جنوب را خوب دقت  
کنید در ایران کسی پیدا میشود بداند که چه عملیاتی در  
معادن نطف جنوب میشود - کتاب سرادواری را که در سال

(۱) هنوز این موضوع اسباب تعجب و حیرت من است که يك تحقیقات عمیقتری  
در این مسئله نشده بموجب ماده سوم قرارداد دولت ایران با برون روتر در سال  
۱۸۸۹ مسیحی و ۱۳۰۷ هجری با مضای ناصرالدین شاه رسیده میزان رواج  
اسکناس ، ۸۰۰ هزار لیره است که نصف آن قسمت باید عین طلا در خزانه  
بانک موجود باشد و بعد به يك تلت برسد حال معلوم نیست آیا باین شرط عمل  
شده است یا نه حالیه چه حالت دارد ..

۱۹۲۶ در دو جلد انتشار یافته آن قسمتی که در باب عایدات و اهمیت معادن نفت جنوب ایران شرح داده مطالعه کنید خواهید دید چه عایدات سرشار فوق العاده از این راه نصیب سرمایه - داران دولت انگلیس میگردد صبر کنید خواهید دید همان عبارت را که در باب هندوستان مکرر در مکرر گوشزد دنیا نموده اند که انگلستان ممکن نیست بدون هندوستان زندگی کند در باب معادن نفت جنوب ایران نیز همین کلمات را تکرار خواهند نمود که انگلستان بدون معادن نفت جنوب نمیتواند در دنیا زندگی کند با تمام این احوال در ایران بکنفر مطلق و بصیر این کار نیست که بداند و بفهمد و تمیز بدهد صاحبان امتیاز در آن معادن زرخیز که شهرت منافع کثیر آن دنیا را بحیرت انداخته چه میکنند عایدی حقیقی آن چیست ؟ سهم صحیح ایران چه مبلغ است ؟

خاطر دارم وقتیکه موضوع واگذاری نفت شمال به کمیانی امریکائی مطرح بود مکرر در مباحث مقدس مجلس اظهار میشد که ما هیچ اطلاعی از معادن نفت و استخراج آن نداریم این برای يك ملتى خجالت نیست که از منابع ثروت و عایدی که خداوند برای آن در بطن زمین ذخیره نموده است اطلاع نداشته باشد ؟

ایرانی استعداد ذاتی و فطری را داراست قوای فهم و تمیز آن بحد کافی بلکه زیاده تر در نهاد او سرشته است جدیت و پشت کار در سعی و عمل را دارد فقط و فقط عیبیکه دارد



این است که قوای روحی و جسمی او بکار نیفتاده مانند اعصاب از کار باز مانده میباشند که باید آنها را بکار انداخت مثل خفته میماند که باید بیدارش کرد آن نیز بهیچ راهی ممکن نیست جز از راه علم و دانش آنرا هم باید در مدارس صحیح و مرتب و منظم تحصیل نمود .

موضوع معادن ایران از موضوعات بسیار مهم است اگر چه امتیازات بیحد و حساب در زمان سلاطین بی علاقه قاجار باجنبیها داده شده بااینحال آنچه که باقی است و در اختیار خودشانست باز يك منابع عایدی سرشار است و اگر ایرانی در شناختن آنها ماهر شود و برای استخراج آنها کوشش کند در اندک زمانی منافع هنگفت عاید ملت و دولت خواهد گردید و این فقر و فاقه و پریشانی طبقات کارگر تا حد معینی بر طرف خواهد شد سرمایه های زیاد برای استخراج آنها بکار افتاده عدّه زیادی در عملیات و تهیه آنها بکار مشغول خواهند شد این که ایرانی نمیتواند داخل این رشته ها شود برای اینست که اطلاع ندارد و معلومات این فن را فرا نگرفته است هیچ صحبت معدن شناسی بگوشش نرسیده يك مؤسسه که این فن را در ایران ترویج کند وجود نداشته سالهاست باسم يك وزارت فوائد عامه وجود دارد که تا چند سال قبل آنهائیکه بیرون دروازه طهران مسکن دارند اطلاع نداشته اند حال بعد ها اگر يك عملیاتی بکند و از خود آثار و علایمی در باب معادن ایران ظاهر نماید بسته باینه است که هنوز نیامده است .

اما برای اینکه ایران از معادن بیحد و حساب و گرانبهای خود استفاده کند در قدم اول تعلیم و تربیت یکعده جوانان ایرانی است در این فن شریف که بواسطه آنها يك تحقیقات علمی و عملی در تمام نقاط مملکت ایران بعمل آید و از روی يك صورت و احصائیه صحیح نقاط و جبال هر يك از معادن و نوع آن و استعداد آنرا معین کنند دولت نیز اسباب تشویق و تسهیل و ترغیب صاحبان سرمایه‌های داخلی را فراهم آورد که بتوان با دست ایرانی و سرمایه ایرانی و برای منفعت ایرانی این معادن زرخیز خدادادی را بکار انداخت .

این قسمت نیز مانند قسمت‌های دیگر منابع تولید ثروت بواسطه عدم علاقه سلاطین وقت یا بروز و ظهور هرج و مرج‌های بیشمار که ایران همیشه گرفتار و با آنها دست بگریبان بوده است بمرور از بین رفته و دیگر کسی بفکر استفاده از آنها نبوده است معادن ایران بقول علماء متبحر این فن بهترین معادن روی زمین و از حیث خزائن معدنی وافرترین آنهاست در زمانهای قبل از اسلام وقتیکه ایران دارای شأن و شوکت امپراطوری بوده بکثرت و وفور از آنها استفاده شده است ولی همینکه اغتشاشات داخلی حکم فرما شد این معادن نیز متروک مانده است .

چون فرصت و موقع نیست از شرح داستان حیرت‌انگیز این معادن در زمانهای قبل صرف نظر میکنم فقط بيك مختصر شرحی از زمان سلاطین صفویه که يك دوره نسبتاً امن و امان و هنگام سعی

و عمل بود اکتفا مینمایم .

در زمان سلطان عظیم الشان شاه عباس کبیر معادن ایران بکار افتاد معادن آهن - فولاد و مس و سرب و نقره از توههای اطراف و نواحی اصفهان - کرمان - یزد مازندران و کردستان و قزوین استخراج میشد حتی از معادن نفت خوزستان نیز استفاده شده معادن فیروزج نیشابور مبالغی عمده عایدی داشت

کتابهای دوفرنویسنده که معروف هر ایرانی هستند شاردن و تاورنیه که هر دو از نویسندگان های دقیق و ماهر بودند و با عده از سلاطین صفوی معاصرند بطور مبسوط از معادن ایران سخن میرانند که خود يك داستان علیحده است .

با اینکه زمان نادر يك دوره ساکت و آرامی نبود و ملت ایران بواسطه از بین رفتن سلسله صفویه و حمله افغان و جنگهای نادر در حال تشنج بودند

باز قسمتی از معادن ایران از کار نیفتاده بود در آمل مازندران کوره آهن ذوب کمنی دایر بوده و اوله های توپ و گلوله های آنها و سایر ادوات جنگی از آهن های استخراجی از معادن ایران تهیه میشد .

در دوره قاجاریه نیز معدن شناسان انگلیسی در معادن آذربایجان تحقیقات و عملیات نمودند مخصوصاً معدن شناس معتبر موسوم به ویلیام سن در نزدیکی ترکمان چای اسباب و ادوات عریض و طویلی برای استخراج مس بکار انداخت .

معادن آهن محال قره داغ معروف خاص و عام است در

اواخر سلطنت فتحعلی شاه فرمان استخراج و بکار انداختن معادن آهن قرچه داغ بیکنفر انگلیسی داده شد و ماشین و اسباب مخصوص برای استخراج نیز از انگلستان وارد نموده بکار انداخت و بواسطه اختلافات سیاسی که خود يك داستان علیحدگی است این نیز بدون اخذ نتیجه متروک ماند

ناصر الدین شاه عشق مفرطی بطالای و نقره داشت و خیلی هم سعی مینمود که معادن آنها را در ایران پیدا نموده بکار اندازد شاید محرك اصلی فرستادن یکمده شاگرد بااروپا و تدریس رشته مهندسی و معدن شناسی در دارالفنون طهران همین يك مسئله بوده است و بس - ولی سوراخ دعا را تم کرده بود

لرد کرزن معروف در جلد دوم کتاب خود راجع بایران در صفحه ۵۱۴ مناطق مخصوصی که معادن ایران در آنها واقع شده اند به شش منطقه تقسیم نموده اول ازربایجان دوم دامنه های شمالی و جنوبی سلسله جبال البرز در قسمت رشت - زودبار و استرآباد سوم خراسان چهارم کرمان پنجم نواحی مرکزی از قم تا شیراز مخصوصاً اطراف اصفهان و نائین ششم سواحل خلیج فارس و جزایر آن و برای هر يك از این قسمت های ششگانه يك سلسله اطلاعات مفیدی بیان میکند که نقل تمام آنها در اینجا باعث تطویل است و نویسنده را از مقصود خود دور میکند طالبین اطلاعات این قسمت را بکتاب فوق از صفحه ۵۱۰ تا صفحه ۵۲۲ مراجعه میدهیم که سر فرصت مطالعه نمایند.

مقصود عمده من نمودن اهمیت فوق العاده معادن ایران

است که غالب نویسندگان های اروپائی در کثرت و وفور خزائن آنها غلو کرده و گفته اند معادنسی در دنیا نیست که از حیث مایه و وفور خزائن بیابانه معادن ایران برسد یا با آنها برابری کند (۱).

اگر ملت و دولت ایران بخواهد از این معادن خدادادی که میلیون ها سال است دست قدرت الهی آنها را در بطن زمین برای استفاده ایرانی بودیعه گذاشته است استفاده کند - باید برای استفاده ایرانی خود را برای استخراج آنها تعلیم و تربیت نماید و آنها را در این رشته بخصوص عالم و متبحر گرداند تا بتوانند منافع عمده از این راه بهره بردارند

يك قسمت دیگر ماند که لابد به آن نیز باید اشاره شود و آن تأسیس مدارس مخصوص تجارتي است که جوانان مستعد تحصیل کرده که میخواهند درین رشته سود مند که اسباب ترقی و ازدیاد ثروت يك مملکتی را حاوی است داخل شوند و آنرا برای بقیه عمر خویش شغل بخصوص قرار دهند ناچارند اطلاعات راجع باین قسمت را نیز تحصیل نمایند

در ایران هیچ چیزی از روی تربیت و تعلیم بار نیامده چون اینطور نبوده یعنی تعلیم و تربیت در رشد و نمو آن دخالت نداشته هر کس در هر رشته حرفت یا صنعتی که بوده خود رو و من عندی بار آمده نه استاد متبحر دیده نه کتابی در آن باب مطالعه نموده است بلکه مانند بچه عنکبوت تنیدن را

بارت دارا شده است .

ولی برای بشر آن ادوار سپری شد امروز یگانده اسلحه  
مرد دنیا علم است هر کس دارای این اسلحه نباشد وجود او  
عاطل و باطل و بیکار است اگر دارای بنیه و مزاج سالم باشد  
فقط مانند يك پیچ یا مهره يك ماشین مورد استفاده خواهد  
بود دیگر دارای آن فهم و رشد و نمو و تمیز نیست که بتواند  
خود اختراع يك ماشین یا اسباب تولید ثروت را فراهم بیاورد  
مثل حیوان بار بر در دنبال يك شلاق خواهد داشت تا نفس  
واپسین را بکشد و با هر ك هم آغوش گردد - امروز اغلب ملل  
شرقی در چنگال ملل اروپائی گرفتار این مصیبت هستند .

تجار ایرانی نیز مانند سایر طبقات خود رو و بدون فرا  
گرفتن معلومات و فنون پیشه خود بار آمده نتیجه هم جزء این  
نیست که تماماً دلال امتعه خارجی شده اسباب رواج آنرا میان  
هموطنان خود فراهم آورده اند

اگر این حرفت سودمند از روی قواعد علمی تحصیل  
شود آنوقت تجار ایرانی خواهند توانست بازار های متعدد برای  
امتعۀ خود پیدا نمایند و طریق تهیه و تولید و محل مصرف آنرا  
بدانند و آنرا با بهترین وضعی بوجود آورند .

در ایران امروز يك تاجر سرمایه دار بمعنی تام و تمام  
آن پیدا نخواهید نمود دلیل عمده آنهم پر واضح است که این  
فن شریف از روی اصول علمی تجارت در این مملکت معمول  
نبوده است .

تعجب خواهید نمود اگر بشنوید که دنیای متمدن امروزی را طبقه تجار و سرمایه دار اروپا اداره میکنند - دولت های امروزی ملل متمدن عالم در اثر نفوذ و قدرت سرمایه داران و تجار معتبر عزل و نصب میشوند نفوذ يك تاجر سرمایه دار به مراتب بیش از نفوذ يك پادشاه است یگانه عامل مؤثری که ملت با عظمت دول متحده امریکا را بطرف جنگ خانمان سوز عمومی سوق داد همان قدرت و نفوذ و استیلای طبقه سرمایه دار امریکا بود و بس اصلاً خود جنگ عمومی نیز جنگ سرمایه داری بود شاید جنگهای آتیه نیز برای قرنهای روی همین اصول در خواهد گرفت عجبالتاً جنگ باطنی با شدت هر چه تمامتر بین سرمایه داران سه دولت معظم دنیا که در نتیجه جنگ عمومی گذشته بعد اعلان بر خور دار شده اند بعد اعلان وجود دارد ( دول امریکا - ژاپون - انگلیس ) این کشمکش همان کشمکش قبل از ۱۹۱۴ است که بین تجار و سرمایه داران انگلیس و آلمان برای تجارت دنیا وجود داشت و حالیه بین سرمایه داران انگلیس - امریکا و ژاپون پیدا شده است - شاید در آتیه خیلی نزدیکی دنیا در اثر همین کشمکش گرفتار يك جنگ عظیمی گردد در هر صورت ما باید در فکر خود باشیم و در هر رشته از رشته های زندگانی که مربوط به تولید و تقسیم و مصرف ثروتست عالم و متبحر تحصیل کرده مدرسه دیده و تصدیق گرفته و تجربه آموخته داشته باشیم جز این راه نجات دیگری در پیش نیست و یکی از این رشته ها داشتن تجار عالم و بصیر میباشد

که احتیاجات وطن خود را بداند و اسباب و وسایل تهیه و تولید ثروت را از روی اطلاعات علمی تمیز بدهد منافع و مضار تجارت خارجی را بفهمد بازار فروش و محل های مصرف امتعه و محصول وطن خویش را بشناسد و بر طبق سلیقه و پسند آن بازارها امتعه وطن خود را تهیه نماید آنوقت است که میزان تجارت خارجی شما با تجارت داخلی تعادل پیدا میکند دیگر آن کسری کمر شکن که هر ساله از فزونی واردات بر مملکت وارد می شود در سالنامه های گمرکی وجود خارجی نخواهند داشت و رفع تمام این معایب فقط از راه مدرسه خواهد شد و بس و هر قدر بخواهید برای جلوگیری از واردات اشیاء و اسباب تجملی قانون وضع کنید يك شاهسی ارزش نخواهد داشت آن تجار بی علم و بی سواد و از همه جا بی خبر بهر اسم و رسمی که باشد این متاع را وارد خواهند نمود (۱) و چندین برابر قیمت اصلی آن بفروش خواهند رسانید و این خانم های که باید در جامعه بیش از هر کس استعمال اشیاء تجملی را بد بدانند و عمده وسیله مصرف متاع عوام فریب خارجی هستند آنها را خواهند خرید بدون اینکه مضار و خسارتهای هنگفت آنرا برای مملکت مطلع شوند تنها خانم های ایرانی نیستند بلکه جوانان

(۱) یارسال که گفتگوی منع ورود اشیاء تجملی مطرح بود دلالتهای تجار خارجی که بنام تجار کبر و بهود و مسلمان و نصارا معروف هستند يك جار و جنجانی راه انداخته بودند که گوش همه را کر کرده بود ولی اگر بدفاتر آروزهای بانك مراجعه شود خواهید دید میزان اخذ بروات برای سفارش امتعه تجملی از خارج ده برابر مواقع عادی بوده - این نیست جز عدم علم و اطلاع



متمولین بی علم و اطلاع نیز بدون خجالت از استعمال آنها خود داری نخواهند نمود.

این توهین نیست بلکه عین حقیقت است که بیان می شود میخوایید برای العین مشاهده کنید یگروز را در خیابان لالهزار بتماشا بروید از این جوانهای بی مغز خواهی دید تقصیر هم ندارند عدم علم و اطلاع و نداشتن تعلیم و تربیت نبودن مربی جدی آنها را باین نوع زندگی سوق داده است من درین باب در رساله سوم این رشته مشروحاً بحث خواهم نمود و آنها را بمضار این زندگی آگاه خواهم ساخت و بانها اصول زندگی بشر را گوشزد خواهم نمود امیدوارم اثرات نیکی در وجود آنها تولید کند و آنها را بصراط مستقیم وادارد و یگروز وطن پرستی در آنها ایجاد کند.

اینك این قسمتها را که بطور مشروح در فوق گذشت خلاصه میکنم.

برای ایجاد روح صنایع و حرف برای تولید و تقسیم و مصرف ثروت و برای قوت و قدرت و توانائی ایرانی برای کسب تمدن مادی و معنوی امروزی دنیا برای بقای حیات سیاسی و اقتصادی و برای رفع هزاران حوائج و ضروریات زندگانی حالیه و آینده ایران و ایرانی تأسیس مدارس علمی صنعتی - فنی - زراعتی و تجارتی لازمست تا اساس يك زمینة محکم و متین و ثابت و منظمی برای ترقیات ایرانی فراهم گردد.

قدرت و توانائی بشر بسته بقوای سه گانه اوست قوه بدنی